



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره چهل و پنجم / سال دوازدهم / تابستان ۱۴۰۲

## واکاوی روش نیروسازی جریان کفر از منظر قرآن

خدیجه حسین زاده<sup>۱</sup>

قنبرعلی آل بویه<sup>۲</sup>

سیده فاطمه قاسمی پور<sup>۳</sup>

مریم السادات موسوی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۸

### چکیده

جریان‌های رهبری‌کننده و هدایتگر کفر نقش به‌سزایی در تحولات جوامع و نظام‌های هر جامعه دارند. از آن‌جا که این جریان‌ها در اموری مانند جهت‌دهی به افکار عمومی و فرهنگ‌سازی عمومی جامعه نقش عمده‌ای دارند؛ از این رو ضروری است تا این جریان‌ها به خوبی شناسایی گردد تا انسان‌ها با شناخت کافی مسیر خود را تعیین نمایند و در راستای تحقق مهدویت قدم بردارند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای درصدد است «روش نیروسازی جریان کفر» را از منظر قرآن تبیین نماید. با مطالعه آیات قرآن روش‌ها جریان‌سازی کفر در مقابل جریان مهدویت به دو دسته بینشی و عملی تقسیم شده است. از جمله روش‌های بینشی «استخفاف»، «بی‌دین کردن»، «القای جدایی دین از سیاست»، «ایجاد تردید در باورهای دینی» و از روش‌های عملی «سلبریتی‌ها، سرمستان شهرت (سلبرتی‌ها)، «فسادانگیزی»، «افتراء به پیامبر ﷺ»، «دنیاپرستی» و «بی‌هویت کردن جنسی» را نام برد.

### واژگان کلیدی

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی و پژوهشگر گروه پژوهشی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعة الزهراء (ع) قم، ایران (musavi ۶۲۹۰@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار مهدویت مرکز تخصصی موعود قم، ایران (sabr ۳۱۳m@gmail.com).

۳. طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآنی جامعة الزهراء (ع) قم، ایران (نویسنده مسئول) (Sadatfatemei ۱۱۰@gmail.Com).

۴. پژوهشگر گروه پژوهشی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعة الزهراء (ع) و مدرس بنت الهدی و دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (m.mousavi ۵۸۸۸@yahoo.com).

جبهه کفر، نیروسازی، روش‌های بینشی، روش‌های عملی، جریان حق، جریان باطل.

### مقدمه

کفر نپذیرفتن دین حق و باور نداشتن به اصول سه‌گانه اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد است. به نظر می‌رسد بخشی از قدرت جذب نیروهای کفر از آن جهت است که مفاهیم و ارزش‌های اصیل اسلامی را تصدیر کرده و قرائتی وارونه ارائه می‌دهند به گونه‌ای که قدرت تشخیص حق و باطل را برای بسیاری از توده‌ها به ویژه جوانان سخت و دشوار کرده است. در این پژوهش روش‌های بینشی و روش‌های عملی نیروسازی جریان کفر مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آن‌جا که بیشتر افرادی که جذب جریان‌های کفر می‌شوند نه به جهت طینت باطن، بلکه به علت عدم قدرت تشخیص میان حق و باطل در این مسیر گرایش پیدا می‌کنند؛ بنابراین ضرورت ایجاب می‌کند اندیشمندان اسلامی، آگاهی‌های لازم را در اختیار آحاد ملت قرار دهند.

### پیشینه

با بررسی‌های صورت گرفته در سایت‌ها و مراکز علمی مشخص گردید، پژوهشی با این عنوان نگاشته نشده است؛ البته مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی منابع قدرت سیاسی جبهه کفر و ایمان در قرآن»، از آقای «اصغر آقا مهدوی» نگاشته شده که در آن نویسنده جبهه ایمان را از نظر قدرت اقناعی، نرم، نظامی و امدادهای غیبی بیان می‌کند و جبهه کفر نیز از جهت قدرت سخت از جمله نظامی، اقتصادی، تهدید، ایجاد تفرقه، تطمیع و قدرت نرم نظیر تحقیر، تهمت زدن، جو سازی، شایعه‌پراکنی، سازش‌کاری برای تسلط بر جبهه ایمان را بر می‌شمارد. اما در این مقاله به واکاوی روش نیروسازی جریان کفر در مقابل جریان مهدویت پرداخته می‌شود.

### مفهوم «کفر»

«کفر» از لحاظ لغوی در زبان عربی به معنای «پوشاندن و پنهان کردن» استعمال شده است و به شخصی که چیزی را پنهان می‌کند، کافر می‌گویند. به همین جهت به شب به خاطر این‌که با تاریکی و ظلمت خویش اشیاء و موجودات را از دیده‌ها پنهان می‌کند، کافر اطلاق می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ق: ج ۳، ۴۷۶). در اصطلاح کفر در شریعت، عبارت است از انکار آنچه خدا معرفت آن را واجب کرده است؛ همانند وحدانیت و عدل خدا و معرفت پیامبرش و آنچه را که

حضرتش از ارکان دین آورده که هر کس یکی از اینها را انکار کند کافر است (طبری، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۸۱۲). صدرالمألهین نیز کفر را چنین تعریف می‌کند:

کفر همان احتجاج از حق است. همان طور که مشرکان حاجب از حق بودند و یا احتجاج از دین؛ مانند اهل کتاب که محجوب از دین حق بودند و قهراً محجوب از حق، محجوب از دین هم است ولیکن محجوب از دین ممکن است محجوب از خداوند نباشد (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱ش: ج ۳، ۵۱۲).

بنابراین کفر همان انکار خداوند متعال یا پیامبرش یا انکار ارکان دین است.

### روش‌های بینشی نیروسازی جریان کفر

خداوند در سوره ابراهیم کافران را این‌گونه معرفی می‌کند:

﴿...وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا...﴾ (ابراهیم: ۳)؛

و می‌خواهند راه حق را منحرف کنند.

کار کفار تنها ایجاد سد و مانع در راه الله نیست، بلکه علاوه بر آن، سعی می‌کنند آن را دگرگون نشان دهند. در واقع آنها با تمام قوا می‌کوشند دیگران را همرنگ خود و هم‌مسلك خویش سازند به همین دلیل سعی دارند راه مستقیم الهی را کج کنند، و با افزودن خرافات، و انواع تحریف‌ها، و ابداع سنت‌های زشت و کثیف به این هدف برسند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۰، ۲۶۱). در این قسمت به روش‌های بینشی نیروسازی جریان کفر اشاره می‌گردد.

#### ۱. استخفاف

قرآن در مورد فرعون اشاره می‌کند به این‌که او با مقدمات واهی و تخیلات فاسده، قوم خود را در اطاعت خود خفیف و سبک کرد:

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف: ۵۴)؛

پس به این وسیله قوم خود را ذلیل و زبون داشت در نتیجه اطاعتش کردند چون آنها مردمی فاسق بودند.

فرعون با این سخنان عقول قوم خود را دزدید و فریب‌شان داد. در این آیه قرآن به نکته لطیفی اشاره می‌کند، و آن این‌که: فرعون از واقعیت امر چندان غافل نبود، و به بی‌اعتباری این ارزش‌ها (طلا و نقره و زیورآلات) کم و بیش توجه داشت، ولی او قوم خود را خفیف کرد، و

عقول آنها را سبک شمرد و از وی اطاعت کردند. اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگه‌دارند، و با انواع وسائل آنها را خوار کنند، آنها را در يك حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فرو برند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند، و دائماً آنها را نسبت به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۲۱، ۸۸). همچنین در تفسیر الصافی آمده:

فرعون رویاهای‌شان را سبک کرد و از آنان خواست که در اطاعت او سبک باشند و آنان را به آنچه امر فرموده بود فرا خواند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۳۹۵).

حکومت حاکمان بر مردم در نظام باطل، براساس استخفاف و تحقیر مردم است. فرعون قوم خود را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد در نتیجه از او اطاعت کردند زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف: ۵۴)؛

چون آنها مردمی فاسق بودند.

این قوم گمراه، اگر فاسق و خارج از اطاعت فرمان خدا و حکم عقل نبودند تسلیم چنین تبلیغاتی نمی‌شدند، و اسباب گمراهی خود را به دست خویش فراهم نمی‌ساختند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۲۱، ۸۹). جامعه‌ای که از خط الهی خارج شود خود را باور نمی‌کند و خفت‌پذیر می‌شود.

## ۲. بی‌دین کردن

یکی دیگر از روش‌های بینشی نیرو سازی جریان کفر بی‌دین کردن جامعه است که به این مطلب خداوند متعال در سوره اعراف اشاره کرده که شیطان قسم خورده که آدمی را از راه دینداری به سمت بی‌دینی می‌کشانند:

﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ...﴾ (اعراف: ۱۷)؛

آن‌گاه از جلو رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ به آنان می‌تازم.

منظور از آمدن شیطان از سمت راست به این معناست که آدمی را از راه دینداری بی‌دین می‌کند و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط نموده و به چیزهایی که خداوند از آدمی نخواستہ تکلیف می‌کند. منظور از سمت چپ بی‌دینی است که فحشا و منکرات را در نظر آدمی

جلوه داده وی را به ارتکاب معاصی و پیروی هوای نفس و شهوات وادار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ج ۸، ۳۶). و در تفسیر نمونه آمده است منظور از آمدن شیطان به سراغ انسان از «پیش» رو این است که آخرت و جهانی را که در پیش دارد در نظر او سبک و ساده جلوه می‌دهد، و منظور از «پشت سر» این است که آنها را به گردآوری اموال و تجمع ثروت و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر فرزندان و وارثان دعوت می‌کند، و منظور از «طرف راست» این است که امور معنوی را به وسیله شبهات و ایجاد شک و تردید، ضایع می‌سازد، و منظور از «طرف چپ» این است که لذات مادی و شهوات را در نظر آنها جلوه می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۶، ۱۱۰). در آیات دیگری که خداوند در مورد قوم حضرت موسی علیه السلام بیان می‌کند:

﴿قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾ (طه: ۸۵)؛

فرمود: ما از پی تو قومت را امتحان کردیم و سامری گمراه‌شان کرد.

چون دیدار حضرت موسی علیه السلام با پروردگارش از سی شب به چهل شب تمدید شد، و زمینه‌های مختلفی که از قبل در میان بنی‌اسرائیل برای انحراف وجود داشت کار خود را کرد، سامری آن مرد هوشیار منحرف می‌اندارد شد، و با استفاده کردن از وسائلی گوساله‌ای ساخت و جمعیت را به پرستش آن فرا خواند. بدون شک زمینه‌هایی مانند مشاهده گوساله‌پرستی مصریان و یا دیدن صحنه بت‌پرستی (گاوپرستی) پس از عبور از رود نیل، و تقاضای ساختن بتی همانند آنها، و همچنین تمدید میعاد موسی و بروز شایعه مرگ او از ناحیه منافقان و بالاخره جهل و نادانی این جمعیت در بروز این حادثه و انحراف بزرگ از توحید به کفر اثر داشت، چرا که حوادث اجتماعی معمولاً بدون مقدمه، رخ نمی‌دهد منتها گاهی این مقدمات آشکار است و گاهی مرموز و پنهان؛ به هر حال شرك در بدترین صورتش دامان بنی‌اسرائیل را گرفت به خصوص که بزرگان قوم هم در خدمت موسی در میعادگاه بودند و تنها رهبر جمعیت هارون بود، بی‌آن‌که دستیاران مؤثری داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۳، ۲۶۸). همچنین در آیات دیگری آمده که حضرت نوح علیه السلام به قوم خود می‌فرماید:

﴿... وَلِكِنِّي أُرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (هود: ۲۹)؛

شما را مردمانی ناآگاه می‌بینم.

نوح علیه السلام در پاسخ آنها، که اصرار داشتند ایمان آورندگان فقیر و یا کم سن و سال را از خود

براند با قاطعیت می‌گوید ﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (هود: ۲۹)؛ من هرگز کسانی را که ایمان آورده‌اند طرد نمی‌کنم. چه جهل و نادانی از این بالاتر که مقیاس سنجش فضیلت را گم کرده‌اید و آن را در ثروت و تمکن مالی و مقام‌های ظاهری و سن و سال جستجو می‌کنید، و به گمان شما، افراد پاکدل و با ایمان که دست‌شان تهی و پای‌شان برهنه است از درگاه خدا دورند، این اشتباه بزرگ شما است و نشانه جهل و بی‌خبری‌تان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۹، ۷۶). واقعیت این است که پیامبران بزرگ خدا در مسیر دعوت مردم نادان و لجوج با چه مشکلات بزرگی روبرو بودند، گاه معجزات اقتراح‌ی از آنها می‌طلبیدند و گاه قدم را فراتر نهاده مشاهده خدا را با چشم ظاهر تقاضا می‌کردند و قاطعانه می‌گفتند تا چنین درخواستی انجام نگیرد ایمان آوردن محال است! و هنگامی که با عکس‌العمل شدیدی از ناحیه پروردگار روبرو می‌شدند باز هم مشکل تازه‌ای پیش می‌آمد، که اگر لطف خدا نبود، مقاومت در برابر این بهانه‌جویی‌ها امکان نداشت. مقام معظم رهبری هم در بیانات‌شان ما را از این توطئه شوم دشمن آگاه می‌کند و می‌فرماید:

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این است که جوانان مؤمن را از پاینده‌های متعصبانه به ایمان منصرف کنند مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس کردند، جوان‌ها را ریختند در عالم فساد و شهوترانی و می‌گساری، این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۲۲).

بنابراین یکی از علل روان‌شناختی دین‌گریزی در همه انسان‌ها به ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر دربارهٔ دین است قرآن یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی‌ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان‌ها می‌داند. گسترش موج بیداری اسلامی در دنیای امروز، حقیقتی است که فردای نیکی را به امت اسلامی نوید می‌دهد. امروز ما منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبهٔ ظلم و جور را که همهٔ بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدالت برزندگی انسان‌ها بوزد، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است.

### ۳. القای جدایی دین از سیاست

آیات قرآن کریم بیان می‌کند که سیاست متن اسلام است و ما اسلام بی‌سیاست نداریم؛ در داستان بنی اسرائیل می‌خوانیم، هنگامی که بر اثر هرج و مرج داخلی و نداشتن حاکمیت قوی و لایق، گرفتار ضعف و شکست شدند، و دشمنان بر آنان مسلط گشتند:

﴿لَمْ تَر إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ هُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۴۶)؛

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم.

خداوند بعد از موسی ولایت ایشان را به اوصیای موسی وا گذاشت، بعد از این دوره‌ها بود که گرفتار دیو جالوت شدند، و وقتی ظلم جالوت به ایشان شدت یافت و فشار از طرف دستگاه جالوت بر ایشان زیاد شد، قوای باطن‌شان که رو به خمود گذاشته بود، بیدار شد، و تعصب تو سری خورده و ضعیف‌شان زنده گشت، در این جا بود که بزرگان قوم از پیامبرشان درخواست می‌کنند پادشاهی برای‌شان برگزیند تا به وسیله او اختلافات داخلی خود را برطرف نموده و قوای‌شان را تمرکز دهند، و در تحت فرمان آن پادشاه، در راه خدا کارزار کنند و چون پیغمبرشان چنین اختیاری نداشت، لذا کارزار کردن و تعیین فرمانده را به خدای تعالی ارجاع می‌داد. پس واضح است که اگر حکومت مقتدر و نیرومندی نباشد و جلوی سرکشان را نگیرد، زمین پر از فساد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۲، ۴۳۳). همچنین خداوند در در سوره نور بیان می‌کند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾ (نور: ۵۵)؛

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده کرده که شما را در این سرزمین جانشین دیگران کند، آن چنان که اسلاف و گذشتگان آنان را جانشین کرد.

در آیات قبل، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر ﷺ بود، آیه مورد بحث همین موضوع را ادامه داده و نتیجه این اطاعت را که همان حکومت جهانی است را به صورت مؤکد بیان می‌کند. خدا وعده حکومت روی زمین و تمکین دین و آئین و امنیت کامل را به گروهی که ایمان دارند و اعمال‌شان صالح است داده است. اهدافی که قرآن برای حکومت صالح و مؤمنان بیان می‌کند بهترین دلیل برای مبارزه قرآن با تفکر سکولار و جدایی دین از سیاست در اسلام است. دین از سیاست جدا نیست بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم:

مصدق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که خداوند وعده داده است در آن روز اهل ایمان بر جهان حکومت کنند (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۶، ۲۰۶؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۶۱۷؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۱۴).

خداوند در آیاتی از مسلمانان می‌خواهد تا حکومت اسلامی را به هدف حاکمیت دین اسلام شرک‌ستیزی، ایجاد امنیت و مانند آن ایجاد کنند. آیت‌الله جوادی آملی در بیاناتی که داشتند این‌که دین موعظه و نصیحت و تعلیم محض مسائل فردی بدون اجتماعی و مسائل اخلاقی و اعتقادی بدون سیاسی و نظامی و مانند آن نیست. بلکه احکام اجتماعی و سیاسی نیز دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۹ ش: ۷۳-۷۶). بنابراین داشتن حکومت برای اثرگذاری‌های سیاسی اجتماعی و حتی اعتقادی یکی از نیازهای اساسی برای پیروان اهل بیت علیهم‌السلام است. تأثیر مستقیم مشارکت‌های سیاسی اجتماعی بر انتظار پویا برای ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف کمک می‌کند.

#### ۴. ایجاد تردید در باورهای دینی

خداوند متعال در آیات متعددی از مؤمنین می‌خواهد که از خطوات و گام‌های شیطان تبعیت نکنند:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ (بقره: ۱۶۸)؛

و پیروی از گام‌های شیطان نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

این گام‌های شیطان اشاره به یک مسئله دقیق تربیتی دارد و آن این‌که انحراف‌ها غالباً به‌طور تدریجی در انسان نفوذ می‌کند. مستکبران و شیاطین انسانی از راه‌های بسیار ظریف سعی می‌کنند روحیه الهی را از یک جامعه اسلامی سلب نمایند و آنها را در پای بندی به اصول‌شان دچار شک و تردید نمایند لذا تبعیت از آنها منجر به حاکمیت کفر و نابودی ایمان در آن جامعه می‌شود. مقام معظم رهبری فرمودند:

دشمن سعی می‌کند در تمام حوزه‌ها (فرهنگی، دینی، سیاسی و...) باورهای جامعه را دگرگون کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود آورد. مهم‌ترین رخنه در نفوذ فرهنگی، رخنه در باورهای دینی جامعه اسلامی است و وقتی باورها سست شد به راحتی می‌شود آن جامعه را مورد سلطه قرار داد. تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جاست. به خاطر تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف آماج و تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ عبارتست از ایمان مردم و باورهای مردم. هشدار رهبر معظم انقلاب در این زمینه هم توجه به موضوع، ایجاد خلل در باورهاست. باور انقلابی و باور دینی مورد هدف قرار می‌گیرد و برای رسیدن به این هدف از هر دستاویزی از طرف دشمن استفاده می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).



در نتیجه جامعه منتظر به وضعیت موجود اکتفا نکند و با ستمکاری کنار نیاید و به تدریج، آمادگی‌های لازم برای ظهور حضرت فراهم شود. آماده‌سازی جامعه برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازمند تربیت نیروهایی کارآمد و متعهد است و این امر جز در سایه تعلیم و تربیت درست به دست نمی‌آید.

### روش‌های عملی نیروسازی جریان کفر

کافران علاوه بر آن که در حوزه بینش و اندیشه خود دچار خطا می‌شدند در حوزه رفتار نیز مرتکب اموری ناشایست می‌شدند که خداوند سبحان در این آیه به برخی از آنها اشاره می‌کند:

﴿وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (حج: ۲۵)؛

و مردم را از راه خدا باز می‌دارند.

امری که بیان شده است بازداشتن مردم از مسیر الهی است. برخی از مفسران نیز عقیده دارند که این صَد شامل هرگونه تلاش و کوشش برای جلوگیری مردم از ایمان و عمل صالح می‌شود و تمام برنامه‌های تبلیغاتی و عملی که در جهت تخریب اعتقادات و انحراف آنها از مسیر درست و اعمال پاک صورت بگیرد را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۴، ۶۱).

#### ۱. سرمستان شهرت (سلبرتی‌ها)

خداوند متعال در قرآن کریم در سوره شعراء در واقع تعبیری از سلبریتی‌ها به مفهوم امروزی، از سرمستان از شهرت و همچنین جامعه‌ای که تحت تأثیر آنها هستند به شدت مورد انتقاد و آنان را موجب گمراهی معرفی می‌کند:

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ (شعراء: ۲۲۴)؛

و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند.

از آن جا که شعر در جزیره العرب هنری فاخر و بسیار مورد توجه به شمار می‌رفت موجب جایگاهی ویژه برای صاحبان این هنر و تأثیر به‌سزای آنان در افکار عمومی و مناسبات سیاسی، اجتماعی عصر خویش محسوب می‌شد. شاعران جاهلی که دارای نفوذ فراوان در جامعه بودند در تعامل با جریان‌ات قدرت و ثروت و در مقابل مطامع دنیوی یکی از اصلی‌ترین منشأهای رسوخ بسیاری از خرافات و انحرافات در افکار عمومی به شمار می‌رفتند. چه بسا مردم را به سوی باطل دعوت نموده و از حق برمی‌گردانند و این روش خود انحراف از راه فطرت انسانی

است، که اساسش بر رشد است و رشد هم داعی به سوی حق است و نیز این‌که چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند، عدول از راه فطرت است. شعراء غالباً طالب عیش و نوشند، مخصوصاً شاعرانی که در آن عصر و در محیط حجاز می‌زیستند چنان‌که از نمونه اشعارشان پیداست. آنها غرق پندارها و تشبیهات شاعرانه خویشند، حتی هنگامی که قافیه‌ها آنها را به این سمت و آن سمت بکشاند، در هر وادی سرگردان می‌شوند. آنها غالباً در بند منطق و استدلال نیستند، و اشعارشان از هیجانات‌شان تراوش می‌کند، و این هیجانات و جهش‌های خیالی هر زمان، آنان را به وادی دیگری سوق می‌دهد. قرآن سه نشانه برای این گروه از شعراء بیان کرده است: نخست این‌که پیروان آنها گروه گمراهانند، و با الگوهای پنداری و خیالی از واقعیت‌ها می‌گیرند؛ دیگر آن‌که آنها مردمی بی‌هدفند و خط فکری آنها به زودی دگرگون می‌شود، و تحت تأثیر هیجان‌ها به آسانی تغییر می‌پذیرند؛ سوم این‌که آنها سخنانی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند، حتی در آن‌جا که واقعیتی را بیان می‌دارند خود مرد عمل نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۵، ۳۷۹). در تفسیر نورالتقلین در مورد این آیه ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ روایتی را از عیاشی به سندی از امام صادق (ع) که فرموده: شعرا قومی هستند که یاد می‌دهند یا یاد می‌گیرند بدون علم در نتیجه گمراه می‌شوند و گمراه می‌کنند (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۷۰).

اینها بند و باری در حرف زدن ندارند، حد و مرزی در آن نمی‌شناسند، چه بسا که باطل و مذموم را مدح کنند، عیناً همان‌طوری که حق و محمود را باید ستایش کرد و برعکس چه بسا زیبا و جمیل را آن‌چنان مذمت می‌کنند که يك امر قبیح و زشت باید مذمت شود و چه بسا مردم را به سوی باطل دعوت نموده و از حق برمی‌گردانند و این روش خود انحراف از راه فطرت انسانی است؛ سپس خداوند به دو ویژگی آنها اشاره می‌کند: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ (شعراء: ۲۲۵)؛ مگر نمی‌بینی که آنان در هر وادی سرگردانند و ﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ (شعراء: ۲۲۶)؛ و چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۵، ۴۷۰). یکی از اقشاری که امروزه در حوادث و مناسبت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر افکار عمومی جامعه تأثیر به‌سزایی دارند، سلبریتی‌ها یعنی چهره‌های مشهور رسانه‌ای هستند. افراد سرمست از شهرت و خود برتر بین معمولاً خود را در همه زمینه‌ها صاحب نظر دانسته و از خودشیفتگی به خودشگفتی رسیده‌اند و جامعه‌ای که افکار عمومی آن به جای نخبگان از سلبرتی‌ها تأثیر پذیرد، عواقب و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت

که این خطر بزرگی برای جامعه خواهد بود. اگر در جامعه‌ای، گسترش عدل و توسعه عقل شکوفا گردد، در این جامعه قطعاً شرایط عصیان و گناه از بین خواهد رفت، ولی، این امر به طور کامل ریشه کن نخواهد شد مگر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق بیفتد.

## ۲. فسادانگیزی

قرآن کریم یکی از حيله‌های شیطان را فرا خواندن به فحشا و فساد می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ﴾ (بقره: ۱۶۹)؛

او تنها شما را به بدی و فحشاء و ا می‌دارد.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿...وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (نور: ۲۱)؛

و کسی که تبعیت کند گام‌های شیطان را، همانا شیطان امر می‌کند به فحشا و منکر.

در این دو آیه به دو مسئله مهم، فحشا، منکر اشاره شده که هر کدام می‌تواند جامعه‌ای را به سقوط بکشاند. وقتی فساد و فحشا پدید آید روح ایمان و جوانمردی و غیرت دینی و ملی از بین می‌رود در قرآن برای مبارزه و ریشه‌کنی فساد و فحشا سخت تأکید شده می‌فرماید:

﴿...وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ...﴾ (انعام: ۱۵۱)؛

و به کارهای زشت آنچه عیان است و آنچه نهان است نزدیک نشوید.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است.

## ۳. افتراء به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مسئله توهین به ساحت پیامبر صلی الله علیه و آله تا حدی مهم می‌باشد که خود خداوند در برخی آیات قرآن، توهین و تهمت کافران و مشرکان مکه به پیامبر را بیان فرموده است:

﴿...وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَمَقِيلُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ﴾ (احقاف: ۱۱)؛

و چون کفار راه را نیافته‌اند به زودی خواهند گفت این قرآن افترا بی است قدیمی.

از آن جا که به خاطر استکبارشان از ایمان آوردن به قرآن، از هدایت قرآن، بهره‌مند

نشدند، به زودی خواهند گفت این (قرآن) افک و افترايي است قدیم و این همان سخنی است که در جای دیگر به عبارت «أساطیر الاولین» تعبیر شده (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۸، ۲۹۸). کفار می‌گفتند اگر گفته محمد درست بود ما که سرمایه‌دار و معتبر هستیم زودتر از این گوسفندچران‌ها سخن او را می‌پذیرفتیم (عاملی، ۱۳۶۰ش: ج ۷، ۵۲۷). زشت بودن افترا و دروغ بافی امری فطری است، حتی کفار برای شکستن اسلام آن را افترا و افک می‌نامیدند. کفار خود را زیرک‌تر از مسلمان‌ها می‌دانستند. آنها به قدری لجوج بودند که هم محتوای قرآن را دروغ می‌پنداشتند و هم تاریخ مصرف گذشته می‌دانستند. و همچنین در سوره فرقان خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا﴾ (فرقان: ۴)؛

کسانی که کافرند گویند: این ادعا جز دروغ چیزی نیست که آن را وی ساخته و گروهی دیگر وی را در ساختن آن یاری کرده‌اند حقا که ستم و دروغی پیش آوردند.

کسانی که از عرب کفر ورزیدند گفتند این قرآن، نیست مگر کلامی منحرف از وجهه‌ای که باید داشته باشد، چون کلام خود محمد است که به خدا نسبتش داده، و در این افتراء جمعی از اهل کتاب نیز او را کمک کرده‌اند، و این اعراب کافر با این سخن خود ظلم و دروغی مرتکب شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۹). در واقع آنها برای این‌که شانه از زیر بار حق خالی کنند، نخست او را متهم به افترا و دروغ‌گویی کردند، سپس برای این‌که اثبات کنند او به تنهایی قادر بر آوردن چنین سخنانی نیست، گفتند: او در این کار تنها نبوده بلکه جمعی وی را یاری کرده‌اند، و حتماً توطئه‌ای در کار است و باید در مقابل آن ایستاد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۵، ۱۹).

#### ۴. دنیاپرستی

انسان به طور طبیعی به دنیا طلبی و راحت طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا. میل طبیعی به مادی‌گری و دنیا طلبی در انسان وجود دارد. قرآن در موارد متعددی زندگی دنیا را نوعی بازیچه کودکان و لهو و سرگرمیان می‌شمارد و می‌فرماید:

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهْوٌ﴾ (انعام: ۳۲)؛

و زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (لقمان: ۳۳)؛

زندگی این دنیا فریب‌تان ندهد، و شیطان فریبنده، در کار خدا به فریب‌تان نکشد.

این تعبیرات نشان می‌دهد که زرق و برق دنیای فریبنده یکی از موانع مهم برسر راه تکامل معنوی انسان است. گروه دیگری از آیات از این حقیقت پرده برمی‌دارد که مجذوب شدن به زرق و برق دنیا انسان را از آخرت غافل می‌کند و تمام توجه آنان را به سوی خود جلب می‌کند می‌فرماید:

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ (روم: ۷)؛

آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند.

آنها حتی زندگی دنیا را شناخته‌اند و به جای این‌که آن را مزرعه آخرت و گذرگاهی برای نیل به مقامات معنوی و میدانی برای ورزیدگی و تمرین جهت به دست آوردن فضائل اخلاقی بشناسند آن را به عنوان هدف نهایی و مطلوب حقیقی و معبود واقعی خود شناخته‌اند و طبیعی است که چنین افرادی از آخرت غافل می‌شوند. در جای دیگر می‌فرماید:

﴿أَرْضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ﴾ (توبه: ۳۸)؛

آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید.

سپس می‌افزاید:

﴿فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (توبه: ۳۸)؛

با این‌که متاع زندگی دنیا در برابر آخرت چیز اندکی بیش نیست.

خداوند در آیه‌ای دیگر فرموده:

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾ (بقره: ۲۱۲)؛

شیطان زینت می‌دهد زندگی دنیا را برای کسانی که کفر ورزیدند.

ملاك و علت انحراف‌ها، زینت یافتن زندگی دنیا در نظر مردم است، چون وقتی شیطان زندگی دنیا را در نظر زینت داد، او را و می‌دارد تا از هوای نفس و شهواتش پیروی کند، و به منظور رسیدن به هدف هر چیزی را به خدمت می‌گیرد، که از آن چیزهایی که به خدمت می‌گیرد دین است، دین را هم وسیله رسیدن به امتیازات و تعینات خود قرار می‌دهد.

افرادی که انسان‌ها را به دنیامداری ترغیب می‌کنند می‌خواهند در دنیا انواع فساد و فحشا را پدید بیاورند و برای رفاه خویش جهانی را به استعمار و استثمار دریاورند. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

تعلق قلب و محبت دنیا عبارت از دنیایی مذموم است و هرچه دلبستگی به آن زیادتر باشد حجاب بین انسان و دار کرامت او و پرده بین قلب و حق غلیظ می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۰ ش: ۱۳۶).

انسانی که وابسته به دنیا شد، دیگر به توحید و فضائل توحیدی راه نمی‌برد و به همین دلیل که دنیا بزرگ‌ترین مانع شکوفائی فطرت اوست، خداوند انبیاء و رسولان را فرستاد تا پرده دنیاگرایی را از جلو چشم جامعه کنار بزنند و فطرت انسان را بیدار نگه دارند، تا غافل از یاد خدا نباشند. بنابراین دنیاپرستی انسان را در مقابل امام زمانش سرکش می‌کند.

#### ۵. بی‌هویت کردن جنسی

یکی دیگر از روش‌های عملی نیروسازی جریان کفر بی‌هویت کردن جنسی است. قرآن در مورد هدف شیطان در مورد بی‌هویت کردن جنسی بیان می‌کند:

﴿فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا﴾ نساء: ۱۱۹؛

و دستورشان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند و هرکس به جای خدا، شیطان را دوست بگیرد، زبانی آشکار کرده است.

در این آیه شریفه از شیطان حکایت شده که گفته است:

من انسان‌ها را از راه سرگرم کردنشان به پرستش غیرخدا و ارتکاب گناهان گمراه خواهم کرد و آنان را با اشتغال به آمال و آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگی‌شان باز بدارد فریب می‌دهم، تا آنچه را که برای‌شان مهم و حیاتی است به خاطر آنچه موهوم و خالی از واقعیت است، رها کنند و نیز دستورشان می‌دهم که خلقت خدایی را تغییر دهند مثلاً مردان را که مرد خلق شده‌اند و استعداد زن گرفتن دارند اخته نموده این استعداد را در آنها بکشند و یا انواع مثله (بریدن اعضاء) را باب کنند و یا مردان با یکدیگر لواط و زنان با یکدیگر مساحقه کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۵، ۱۳۷).

شیطان سوگند یاد کرده که چند برنامه را اجرا می‌کند:

۱. از بندگان تو نصیب معینی خواهم گرفت: ﴿وَقَالَ لَا تَخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا

مَفْرُوضًا﴾ (نساء: ۱۱۸)؛ از بندگان تو نصیب معینی خواهم گرفت. او می‌داند قدرت برگمراه ساختن همه بندگان خدا ندارد، و تنها افراد هوس باز و ضعیف‌الایمان و ضعیف‌الاراده هستند که در برابر او تسلیم می‌شوند؛

۲. آنها را گمراه می‌کنم: ﴿وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ﴾ (نساء: ۱۱۹)؛

۳. با آرزوهای دور و دراز و رنگارنگ آنها را سرگرم می‌سازم: ﴿وَلَا مُمِیْنَهُمْ﴾ (نساء: ۱۱۹)؛

۴. آنها را به اعمال خرافی دعوت می‌کنم، از جمله فرمان می‌دهم که گوش‌های چهار پایان را بشکافند و یا قطع کنند: ﴿وَلَا مَرْتَنَهُمْ فَلَيَبِيتُكَرَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ﴾ (نساء: ۱۱۹)؛

۵. آنها را وادار می‌سازم که آفرینش پاك خدایی را تغییر دهند: ﴿وَلَا مَرْتَنَهُمْ فَلَيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾ (نساء: ۱۱۹).

این جمله اشاره به آن است که خداوند در نهاد اولی انسان توحید و یکتاپرستی و هرگونه صفت و خوی پسندیده‌ای را قرار داده است ولی وسوسه‌های شیطانی و هوی و هوس‌ها انسان را از این مسیر صحیح منحرف می‌سازد و به بیراهه‌ها می‌کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۱۳۶).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند که یکی از شگردهای مهم قدرت‌های استعماری و سلطه‌گرایجاد حس حقارت و بی‌هویتی در ملت‌ها است (بیانات مقام معظم رهبری در نشست با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸).

### نتیجه‌گیری

مبارزه مؤثر و نتیجه بخش، باید با جریان‌های رهبری‌کننده و هدایتگر که همان سران نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل است، باشد. امت حزب‌الله نباید به جای ایستادن در مقابل دشمن اصلی، به دشمن فرعی بپردازد و یا با ایستادن در مقابل هم و دامن زدن به اختلافات باعث شوند که نقشه‌های دشمن به پیش برود. جوسازی‌های ساخته دست دشمنان سبب نگردد تا از توجه به حقایق و اصول و معارف و معیارهای دقیق اسلام باز بمانیم که این نیز یکی از نقشه‌ها و توطئه‌های شوم و خطرناک دشمنان اسلام جهت دور نگه داشتن جوامع اسلامی از اسلام است. یکی از وظایف بزرگ امت اسلامی تشکیل نهضت علمی و منطقی برای ریشه‌کن کردن جریان‌های کفر است؛ زیرا فردی که منتظر واقعی است و انتظار ظهور منجی آخرالزمان را می‌کشد، نمی‌تواند با استکبار کنار بیاید بلکه باید استکبارستیز باشد. یکی از مهم‌ترین اعمال

منتظران مقابله با استکبار است. مهدویت روح استکبارستیزی را در کالبدها می‌دمد. جامعه‌ای که ادعای انتظار و پیروی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و ظهور را مبنای حرکت و برنامه‌های خود قرار داده، برائت از مستکبران را در اولویت همه اقدامات خود قرار می‌دهد و در قلب و زبان از ظالمان و جباران اظهار نفرت و برائت می‌کند و در عمل نیز تا حد امکان با آنها مبارزه می‌کند؛ به منظور مقابله صحیح باید مانع نیروسازی جریان کفر شد و شناسایی این جریان امری ضروری است. با مطالعه آیات قرآن روش‌ها جریان‌سازی کفر در مقابل جریان مهدویت به دو دسته بینشی و عملی تقسیم شده است. از جمله روش‌های بینشی: «استخفاف»، «بی‌دین کردن»، «القای جدایی دین از سیاست»، «ایجاد تردید در باورهای دینی» و از روش‌های عملی: «سرمستان شهرت (سلبرتی‌ها)»، «فسادانگیزی»، «افتراء به پیامبر صلی الله علیه و آله»، «دنیاپرستی» و «بی‌هویت کردن جنسی» را نام برد.

## منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز چاپ و انتشارات اسراء، ششم.
۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۴. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ق)، ایمان و الکفر در قرآن، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۱ش)، تفسیر القرآن الکریم (صدر)، مصحح: محمد خواجه‌وی، قم: بیدار، دوم.
۶. صدرالدین، محمدابن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، مفاتیح الغیب، بی‌جا: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۸. طبری، فضل بن حسن (۱۴۱۴ق)، مجمع البیان، تهران: بی‌نا، اول.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ق)، مجمع البحرین، تحقیق: سیداحمد الحسینی، تهران:



المكتبة المرتضوية. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ ش)، *تفسیر عاملی*، تهران: انتشارات صدوق، اول.

۱۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مكتبة الصدر، دوم.

۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، اول.

۱۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، سوم.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق)، *اصول کافی*، قم: دارالحديث.

۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی (بی تا)، *گفتمان روشنگر درباره اندیشه های بنیادین*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ ش)، *انسان کامل*، قم: مؤسسه چاپ فجر/ انتشارات صدر، بیستم.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دهم.

۱۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰ ش)، *شرح چهل حدیث*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، بیست و چهارم.